

«انتخابات» ریاست جمهوری در ایران، غیر آزاد و ضد دموکراتیک است!

«انتخابات ریاست جمهوری» در ایران، انتخاباتی آزاد و دموکراتیک نیست. انتخابات دموکراتیک مستلزم وجود پیش شرط هایی چون فعالیت آزاد جامعه مدنی، انجمن ها، سازمان ها، آزادی مطبوعات، وجود رسانه های مستقل، فضای آزاد بحث، و غیره است. اما در «انتخابات» ایران هیچ یک از این پیش شرط ها وجود ندارند.

«انتخابات ریاست جمهوری» در ایران، انتخابی است از بین منصوبان دستگاه حاکمه و طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، زیر نظر شورای نگهبانی است که اعضای آن، نیمی مستقیم و نیمی غیرمستقیم، از طرف ولی فقیه گمارده شده اند.

«انتخابات ریاست جمهوری» در ایران براساس قانون اساسی مبتنی بر تبعیض، آشکارا تبعیض آمیز است. بنا بر اصل ۱۱۵ این قانون، بیش از نیمی از جامعه که زنان باشند، از حق نامزدی برای این مقام محرومند. از سوی دیگر، باز بنا بر همین اصل، سایر اقلیت های مذهبی و همگانی که به هیچ دین و مذهبی باور ندارند، از حق نامزدی محروم اند. افزون براین، حتا آن دسته از معتقدان به نظام و قانون اساسی اسلامی که دیدگاه های متفاوتی دارند و صلاحیتشان پیش از این، بارها توسط همین شورای نگهبان تأیید شده است، از صحن رقابت های انتخاباتی حذف شده اند! بدین ترتیب دست کم، نزدیک به دو سوم جمعیت ایران که واجد شرایط سنی برای نامزدی در انتخابات اند، از حق دموکراتیک و شهروندی خود محروم شده اند.

با این حال، رئیس جمهور اسلامی که تنها مقام اجرایی است که با رأی مستقیم مردم برگزیده می شود، در تعیین سیاست های اصلی کشور و اجرای آنها نقش چندانی ندارد. صاحبان اصلی قدرت در این نظام، از قرار گرفتن در برابر رأی مستقیم مردم به شدت پرهیز می کنند. بدین ترتیب، ولایت فقیه و نهادهای منصوب او، که اهرم های اصلی قدرت را به دست گرفته اند، به هیچ رو، پاسخگو در برابر مردم نیستند.

اکنون در شرایطی که اصلاح طلبان حکومتی برای جلب آراء مردم و به

دست گرفتن بخشی از قدرت، به دادن شعارهای مردم‌پسندی روی آورده‌اند، یادآوری دست کم دو نکته اهمیت اساسی دارد:

نخست اینکه، با توجه به ساختار این نظام و نقش "تدارکچی" ریاست جمهوری، تحقق این شعارها خارج از حیطه اختیارات آنان است. طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور که مقام دوم نظام است، «ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد». و اموری که به رهبری مربوط می‌شود، هم عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و نظامی را در بر می‌گیرد که طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی به تمامی در اختیار ولی فقیه گذاشته شده است! در تمامی کشورهای جهان، اعم از اینکه انتخابات دموکراتیک داشته باشند یا نه، در همه جا موضوع انتخاب، قدرتمندترین و بالاترین مقام آن کشور است که خواه آزادانه و خواه در نمایشی انتخاباتی به این مقام می‌رسند. ایران تنها کشور در جهان است که نفر دوم نظام (پس از گذشتن از صافی و تأیید فرد اول نظام) به رأی مستقیم مردم گذاشته می‌شود!

دوم اینکه، این آقایان از صافی گذشته، مستقیم یا غیر مستقیم، در کلیه تبهکاری‌ها و جنایات سی سال گذشته رژیم اسلامی نقش داشته‌اند. میرحسین موسوی و آقای کروبی در دهه ۶۰ که سیاه‌ترین دوران حاکمیت اسلامگرایان در ایران است و ده‌ها هزار تن از بهترین فرزندان وطن قتل عام اعدام شدند، بالاترین مسئولیت‌های اجرایی و قانونگذاری را داشته‌اند. هر دوی این آقایان با وجود شعارهایی که می‌دهند، هرگز در مورد این کشتارها و به ویژه کشتار هولناک زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷، سخنی نگفته‌اند. آنان به صراحت خود را مطیع ولایت فقیه و وفادار به قانون اساسی اسلامی می‌دانند! دربار سیاست‌های ماجراجویانه اتمی و سیاست جهانی و منطقه‌ای نیز، تمایز آشکاری با جریان حاکم ندارند.

موافقان شرکت در انتخابات، همچون گذشته، با پیش کشیدن انتخاب میان بد و تر، و جلوگیری از انتخاب مجدد احمدی نژاد، مردم را به مشارکت در این نمایش تکراری دعوت می‌کنند. اینکه مردم ایران خواهان این باشند که فشار وضعیت هولناک کنونی بر دوش آنان اندکی کمتر شود، اینکه در فضای اختناق کنونی روزنه‌ای برای تنفس مردم گشوده شود، بسیار طبیعی و قابل فهم است. اما نباید فراموش کرد که اگر این منتخبان شورای نگهبان، برای جلب آراء مردم برخی از خواسته‌های آنان را نیمه نصفه، به شعار خود بدل کرده‌اند، ناشی از فضای جامعه و فشار و قدرت مردم و جامعه مدنی بوده است. این قدرت

را نباید دست کم گرفت و نباید آن را در رقابت‌ها و دسته‌بندی‌های میان مافیای حاکم که اقلیت فاسدی بیش نیست، به هرز برد. مردم ایران خواست و توانایی آن را دارد که یک بار برای همیشه، از این دور باطل بد و بدتر بیرون آید و حق حاکمیت خود را بر کرسی بنشانند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران با تأکید بر حق حاکمیت ملی و نفی نظام فقهاتی، خود را در کنار کسانی می‌بیند که از شأن و حیثت انسان و انتخاب آزادانه سرنوشت خویش دفاع می‌کنند. نارضایتی اکثریت عظیم مردم ایران از نظام اسلامی، چیزی نیست که از چشم حاکمان اسلامی پنهان مانده باشد. هر اس از انتخابات آزاد و دست‌چین کردن نامزدها، اعتراف به همین واقعیت است. تنها نگرانی رژیم، پشت کردن مردم به نمایش‌های انتخاباتی و نشان دادن انزوای رژیم در درون کشور است.

به همین دلیل است که حاکمان اسلامی همواره می‌کوشند از حضور مردم در مراسم رأی‌گیری، چون ابزاری برای مشروعیت خود در انظار داخلی و بین‌المللی بهره‌جویند. بنابراین، عدم شرکت در انتخابات، نمایانگر مخالفت مردم با نظام اسلامی و گام مهمی است در راه مبارزه برای جمهوری ای آزاد، مستقل، دموکراتیک و لائیک در ایران.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران - پاریس

ژوئن ۲۰۰۹ - اردیبهشت ۱۳۸۷